

بررسی شخصیت و احوال عبدالله بن جعفر حمیری

علی‌رضا بهرامی*

چکیده

«ابوعباس عبدالله بن جعفر حمیری» از برجسته‌ترین راویان قمی و از اصحاب عسکریین علیه السلام به شمار می‌رود. ۱۸۲ روایت در کتب اربعه و حضور در انتقال تراث ۱۴۱ نفر از صاحبان آثار شیعه، گویای نقش پررنگ او در عرصه حدیث است. سفر به عراق و انتقال آثار و احادیث به راویان آن‌جا از تلاش‌های علمی حمیری به شمار می‌آید. تألیف آثار علمی متعدد، از جمله کتاب ارزشمند *قرب الاسناد*، ثمره مجاهدت‌های اوست. این نوشتار در سه فصل، به بررسی هویت، ارتباطات علمی و آثار او می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: حمیری، راویان قم، طرق آثار.

۱. هویت شناسی

۱-۱. نام و نسب

نجاشی نام او را «عبدالله بن جعفر بن الحسين بن مالک بن جامع الحمیری ابوالعباس القمی» نوشته است.^۱ در حالی که شیخ در فهرست و رجال و نیز برقی به «عبدالله بن جعفر الحمیری» اکتفا کرده‌اند.^۲ صدوق در «مشیخه» نام او را «عبدالله بن جعفر بن جامع الحمیری» نوشته است.^۳ علامه در *ایضاح الاشتباه*، فرزند او «محمد» را این چنین معرفی می‌کند: «محمد بن عبدالله بن جعفر بن جامع بن مالک الحمیری».^۴

تفرشی، کرباسی و خوئی رضی الله عنهما او را «عبدالله بن جعفر بن الحسن بن مالک بن جامع الحمیری» معرفی می‌کنند،^۵ که ظاهراً بر اساس نسخه‌ای از *خلاصة الاقوال* است؛^۶ اما به قرینه آن که هر سه، فرزند حمیری را با عنوان «محمد بن عبدالله بن جعفر بن الحسين بن جامع بن مالک معرفی می‌کنند»،^۷ احتمال تصحیف آن قوت دارد.

علامه تستری رضی الله عنه در جمع بندی اقوال در نام و نسب او چنین می‌نویسد:

در مورد نسب او چهار قول وجود دارد: عبدالله بن جعفر بن حسین، عبدالله بن جعفر بن حسن، عبدالله بن جعفر بن حسین بن جامع و عبدالله بن جعفر بن حسین بن جامع بن مالک. حقیقت صحت این نسبت‌ها معلوم نیست، ولی بعید نیست نظر صدوق در مشیخه به جهت هم عصر بودن و این که استاد پدرش بوده، ترجیح داشته باشد.^۸

در جمع بندی باید گفت، تنها اختلاف قابل اعتنا، جابه‌جایی نام جدّ دوم و سوم

۱. رجال (نجاشی)، ص ۲۱۹، رقم ۵۷۳؛ *خلاصة الاقوال*، ص ۱۰۶، باب «عبدالله» رقم ۲۰؛ *جامع الرواة*، ج ۱، ص ۴۷۸؛ رجال (ابن داود)، ص ۱۱۷، رقم ۸۴۵.

۲. فهرست (طوسی)، ص ۲۹۴، رقم ۴۴۰؛ رجال (طوسی)، ص ۳۸۹، رقم ۵۷۲۷ و ص ۴۰۰، رقم ۵۸۵۹؛ رجال (برقی)، ص ۶۰، اصحاب ابی محمد الحسن؛ *طرائف المقال*، ج ۱، ص ۲۰۷.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۱۰؛ *خلاصة الأقوال*، ص ۴۴۲، الفائده الثامنة.

۴. *ایضاح الاشتباه*، ص ۲۷۹، رقم ۶۲۲؛ رجال (ابن داود)، ص ۱۷۵، رقم ۱۴۱۹.

۵. نقد الرجال، ج ۳، ص ۹۳، رقم ۳۰۲۷؛ *اکلیل المنهج*، ص ۳۳۸، رقم ۵۸۸؛ *معجم رجال الحدیث*، ج ۱۰، ص ۱۳۹، رقم ۷۶۵۵.

۶. همان گونه که اردبیلی اشاره دارد.

۷. نقد الرجال، ج ۴، ص ۲۴۴، رقم ۴۸۳۳؛ *اکلیل المنهج*، ص ۴۵۵، رقم ۸۸۴؛ *معجم رجال الحدیث*، ج ۱۶، ص ۲۳۳، رقم ۱۱۰۸۱.

۸. قاموس الرجال، ج ۶، ص ۲۹۱، رقم ۴۲۳۹.

اوست. عدم اختلاف بین قدما، احتمال تصحیف در نسخه‌ای از کتاب خلاصة الاقول علامه و عادت علما در انتساب اعلام به برخی اجداد اعلا و حذف برخی دیگر، سبب می‌شود نام و نسب ایشان را همانند آن چه نجاشی آورده است، بدانیم هر چند ترجیح تستری نیز با ملاحظه همین نکات، دور از ذهن نیست.

۱-۲. ولادت و وفات

تاریخ ولادت ایشان به دقت تعیین نشده است، اما به قرینه تاریخ وفات برخی مشایخ او گمانه‌زنی‌هایی شده است؛ مثل آن که اگر او را از اصحاب امام هادی علیه السلام - آن گونه که شیخ در در رجال آورده^۱ - به حساب آوریم و شهادت امام علیه السلام در ۲۵۴ هجری قمری باشد و نیز وفات «محمد بن الحسین ابی الخطاب» که طبق نقل نجاشی سال ۲۶۲ هجری قمری ذکر شده^۲ و حمیری از او نقل بی‌واسطه دارد،^۳ بر این اساس نیمه اول قرن سوم، تاریخ ولادت ایشان به حساب می‌آید.

چهار فرزند او به نام‌های محمد، احمد، حسین و جعفر،^۴ همگی با امام عصر علیه السلام مکاتبه دارند.^۵

وفات ایشان نیز دقیقاً بیان نشده است و تنها به قرینه عبارت معروف نجاشی که گفته: «قدم الكوفة سنة نيف وتسعين ومائتين وسمع أهلها منه فأكثروا»^۶ و هم چنین عبارت ابو غالب زراری که گفته: «وسمعتني من عبدالله بن جعفر الحميري وقد دخل الكوفة في سنة سبع وتسعين ومائتين» و روایت پدر محمد بن معقل در حائر حسینی در همان سال،^۷ چنین حدس زده‌اند که ایشان در اواخر قرن سوم یا سال‌های ابتدایی قرن چهارم بدرود حیات گفته است. درباره محل دفن او نیز تنها به این احتمال که ایشان در قم دفن شده است، می‌توان رسید.

۱. رجال (طوسی)، ص ۳۸۹، رقم ۵۷۲۷.

۲. رجال (نجاشی)، ص ۳۳۴، رقم ۷۹۸.

۳. برای نمونه نک: تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۲ و ۳۰۱. او در قرب الإسناد نیز هفده روایت مستقیم از ایشان نقل کرده است.

۴. رجال (نجاشی)، ص ۳۰۴ - ۳۵۵، رقم ۹۴۹: الرعاية في علم الدراية، ص ۳۹۹.

۵. کان له (محمد بن عبدالله) إخوة جعفر والحسين وأحمد كلهم كان لهم مكاتبة: رجال (نجاشی)، ص ۳۵۵، ذیل ترجمه «محمد بن عبدالله»، رقم ۹۴۹.

۶. رجال (نجاشی)، ص ۲۱۹، رقم ۵۷۳.

۷. اختصاص، ص ۲۱۰: تاریخ آل زراره، ص ۲۰۲ و ۲۱۱.

۳-۱. قبیله

حموی در معرفی «حمیر» چنین می نویسد:

منازل قبیله حمیر در یمن، جایی در غرب صنعاست. اهل حمیر اکبر و حمیر بن سبأ اصغر، برخلاف حمیر بن غوث، اهل فصاحت و شعر و ادب هستند.^۱

بر اساس گزارشات منابع قبایل عرب می توان چنین نتیجه گرفت که «حمیر» از قبایل معروف قحطانی به شمار می رود که به تیره های متعدد تقسیم می شود.^۲

ناصر خسرو می گوید:

زمین یمن را «حمیر» خوانند و زمین حجاز را «عرب» گویند. بر این سرزمین از قدیم اقوام و طوایف ها حکومت رانده اند؛ چنان که یکی از اقوام قدیم عربستان جنوبی در ناحیه ظفار (یمن) در مملکت سبأ می زیستند و تدریجاً قدرت یافتند و سلطنت سبأ را به دست گرفتند. از این جاست که تاریخ دولت حمیری، دنباله سلطنت سبأ است. اولین دولت حمیری از ۱۱۵ پیش از میلاد تا ۳۰۰ میلادی و دومین (که حضرموت را نیز جزء قلمرو خود داشت) تا ۵۲۵ (سال اشغال یمن به دست حبشی ها) دوام داشت و از ۵۳۳ تا ۵۷۰ به دست حبشیان و سپس تا فتح مسلمانان در دست ایرانیان بود.^۳

از جمله اخیر او می توان، ره یافت خاندان حمیری به ایران را از تسلط ایرانیان بر آن منطقه و رفت و آمدهای طبیعی ایشان به ایران حدس زد.

۴-۱. اساتید

مجموعه اساتیدی که حمیری از ایشان در کتب اربعه نقل حدیث کرده، از این قرار است:

أبو محمد (امام عسکری علیه السلام)، الرجل علیه السلام (مشترک میان امام هادی و امام عسکری علیه السلام)،
 إبراهيم بن مهزيار، أحمد بن حمزة، أيوب بن نوح، الحسن بن ظريف، الحسن بن علي بن
 كيسان، الحسين بن عبيد الله، الحسين بن علي بن كيسان الصنعاني، الحسين بن
 مالك، عبدالعزيز بن زكريا اللؤلؤي، علي بن ريان، علي بن سليمان بن رشيد، محمد بن

۱. معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۰۶ و ۳۰۷.

۲. معجم قبائل العرب، ج ۱، ص ۳۰۶؛ «حمیر، بطن عظیم من القحطانية».

۳. سفرنامه ناصر خسرو، ص ۲۳۲.

أحمد بن مطهر، محمد بن جزك، محمد بن خالد، محمد بن سرو، محمد بن عبد الحميد، محمد بن عيسى، موسى بن عمر البصري، يعقوب بن يزيد، أبي عمرو (الأموي)، إبراهيم بن هاشم، أحمد بن أبي عبد الله البرقي، أحمد بن إسحاق أبي علي، أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري، الحسن بن مالك علي بن الحكم، محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، محمد بن عبد الجبار، محمد بن عثمان العمري، محمد بن الفضل البغدادي، محمد بن الوليد، هارون بن مسلم بن سعدان.

از نظر حجم روایات نقل شده نیز ترتیب بیشتری نقل از اساتید، به شرح ذیل است: ابراهیم بن مهزیار (۱۸ مورد)، امام عسکری علیه السلام (۱۱ مورد)، ایوب بن نوح بن دراج (۱۰ مورد)، احمد بن حمزة بن اليسع القمی و محمد بن جزك الجمال (۷ مورد)، محمد بن عیسی بن عبید (۶ مورد)، الحسن بن علی بن کیسان الصنعانی و الحسین مالک القمی (۵ مورد)، احمد بن اسحاق بن عبد الله بن سعد الاشعری (۴ مورد). لیست مشایخ او در سایر منابع نیز از همین الگو پیروی می کند.

ملاقات با امام

شیخ طوسی او را از اصحاب امام رضا، امام هادی و امام عسکری علیه السلام دانسته است.^۱ برقی او را از اصحاب ابی الحسن الثالث، ابی محمد الحسن بن علی علیه السلام معرفی می کند.^۲ مکاتبه او با امام هادی و امام عسکری علیه السلام نیز در منابع حدیثی ثبت شده است.^۳ ظاهراً او هیچ یک از این دو امام بزرگوار را به طور مستقیم زیارت نکرده است. شاهد این ادعا، علاوه بر عدم نقل روایت مستقیمی از ایشان، عبارتی است که شیخ در ترجمه «أحمد بن عبید الله بن یحیی بن خاقان» آورده:

او در مجلسی توصیف امام عسکری علیه السلام دارد که ابن ابی جید از عبد الله بن جعفر حمیری به ما خبر داده است. گفت: من و جماعتی از آل سعد بن مالک و آل طلحه و گروهی از تجار در یازدهم شعبان سال ۲۷۸ در مجلس احمد بن عبید الله در کوره قم حاضر شدیم. او درباره اشخاصی که از علویان و آل ابی طالب در سامرا دیده بود، یاد کرد. پس احمد بن عبید الله گفت: در میان علویان سامرا، مردی را مانند مردی که روزی نزد پدرم ملاقات کردم، ندیدم. به او حسن بن علی

۱. رجال (طوسی)، ص ۳۷۰، رقم ۵۵۰۷؛ ص ۳۸۹، رقم ۵۷۲۷؛ ص ۴۰۰، رقم ۵۸۵۹.

۲. طبقات (برقی)، ص ۴۲۷، رقم ۱۴۴۴؛ ص ۴۳۶، رقم ۱۴۸۱.

۳. نک: الکافی، ج ۵، ص ۱۳۹، ۴۴۷؛ ج ۶، ص ۳۵؛ ج ۷، ص ۱۱۴؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۹۶، ۴۴۸، ۴۷۶؛ تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۶۲؛ ج ۳، ص ۲۳۱؛ ج ۶، ص ۳۹۲؛ ج ۹، ص ۳۱۰، ۳۹۳؛ الاستبصار، ج ۴، ص ۱۶۱.

می‌گفتند... سپس توصیف آن حضرت را آغاز کرد و...»^۱

ضمن آن‌که به شهادت تاریخ، تنها سفر او به عراق در سال ۲۹۷ یا ۲۹۸ هجری قمری رخ داده که پس از شهادت حضرت عسکری علیه السلام است. و به همین جهت، ابن داود او را در زمره «من لم یرو عن واحد منهم» آورده است.^۲

۱-۵. شاگردان

مجموعه شاگردانی که از او نقل حدیث کرده‌اند نیز این چنین است:

أحمد بن محمد، سعد بن عبدالله، علی بن الحسین (بن بابویه قمی)، محمد بن علی بن الحسین (صدوق)، محمد بن أحمد بن یحیی، محمد بن سعید الأذربيجانی، محمد بن عبدالله، محمد بن علی بن محبوب، محمد بن یحیی العطار، محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید، محمد بن الحسین بن أحمد، محمد بن قولویه، محمد بن موسی بن المتوکل.

از نظر حجم روایت از او نیز، ترتیب بیشترین نقل به قرار ذیل است: محمد بن یحیی العطار (۴۲ مورد)، محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری (۱۸ مورد)، سعد بن عبدالله القمی (۱۱ مورد)، محمد بن یعقوب الکلینی (۹ مورد)، علی بن الحسین بن بابویه القمی (۸ مورد)، محمد بن احمد بن یحیی بن عمران الأشعری (۶ مورد).

نقل مستقیم مشایخ ثلاث از او

شیخ طوسی و صدوق از ایشان نقل بی واسطه نداشته‌اند، اما طریقشان به او صحیح است.^۳ تمام کلام در نقل مستقیم یا غیرمستقیم کلینی از اوست. اردبیلی در *جامع الرواة* بر این باور است که روایات مستقیم جناب کلینی از او، مرسل است. او درباره روایت کلینی از وی در باب مولد «امام حسن مجتبی علیه السلام می‌نویسد:

محمد بن یعقوب عن عبدالله بن جعفر فی مولد الحسن بن علی علیه السلام و هو مرسل لانه كلما روی عنه، روی بواسطه محمد بن یحیی و غیه كما مر و کذا فی الموالید الآتیه.^۴

در نقطه مقابل، علامه تستری رحمته الله با این ادعا مخالف است. او معتقد است، کلینی

۱. فهرست (طوسی)، ص ۸۱، رقم ۱۰۲.

۲. رجال (ابن داود)، ص ۴۰۱، رقم ۶۰.

۳. معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۱۴۱.

۴. جامع الرواة، ج ۱، ص ۴۷۹.

دو گونه روایت از جناب حمیری داشته است؛ گاه بدون واسطه از او نقل حدیث کرده؛ مانند روایاتی که در موالید ائمه علیهم السلام آورده، و گاهی به واسطه فرزندش محمد، محمد بن یحیی و علی بن عبدالله. وی در جمع بندی مباحث، مجموع این ادعا را مردود می شمرد: «فان ادعاء تلك الكلية غلط و باطل».^۱

نقل بی واسطه کلینی به لحاظ تاریخی هیچ منعی ندارد؛ ضمن آن که اصل در قضاوت - به ویژه با عنایت به دقت خاص کلینی - آن است که نقل را مستقیم بشماریم؛ پس کلام تستری را قویم می دانیم.

از مجموع اطلاعات سندی او در روایات شیعه به دست می آید که او هم طبقه: محمد بن یحیی العطار، محمد بن علی بن محبوب، سعد بن عبدالله، صفار، احمد بن ادريس و احمد بن اسحاق است؛ بنابراین، طبقه روایی او نیز مشخص است.

۲. ارتباطات علمی عبدالله بن جعفر الحمیری

عصری که او در قم زندگی می کرد، مقارن حضور گسترده اصحاب ائمه متأخر در این شهر است؛ از این رو، زمینه مرادفات علمی او فراهم بوده است. مجموعه روایات او در کتب اربعه به ۱۸۲ روایت می رسد که با عناوینی همچون: عبدالله بن جعفر (۷۵ روایت)، عبدالله بن جعفر الحمیری (۶۸ روایت) و الحمیری (۳۹ روایت) آمده است. هم چنین نمی توان از گستردگی نقل شیخ صدوق رحمته الله در آثارش از او گذشت چه آن که در فقیه و غیر آن به واسطه پدرش و محمد بن موسی المتوکل از او نقل حدیث کرده است.

شمار روایات او در منابع مهم به قرار زیر است:

ردیف	کتاب	روایات	ردیف	کتاب	روایات
۱	الکافی	۴۹	۹	ثواب الاعمال	۷۰
۲	تهذیب الاحکام	۴۲	۱۰	الخصال	۴۱
۳	من لایحضره الفقیه	۸	۱۱	عیون اخبار الرضا	۱۷
۴	بصائر الدرجات	۲۸	۱۲	کمال الدین	۹۲
۵	کامل الزیارات	۶۶	۱۳	معانی الاخبار	۳۳
۶	الامامة والتبصرة	۳۰	۱۴	علل الشرایع	۶۲
۷	التوحید	۱۷	۱۵	الاختصاص	۸
۸	الامالی (صدوق)	۵۲	۱۶	الامالی (مفید)	۱۳

۱. قاموس الرجال، ج ۶، ص ۲۹۱.

توجه به روایات صدوق در من لایحضر نشان می دهد، این آمار تنها مربوط به روایاتی است که مستقیماً نام حمیری در سند آمده است، اما با ملاحظه افزون بر ۵۸ راوی که او در مشیخه صدوق به ایشان قرار دارد، شماره روایات وی بسیار قابل توجه خواهد شد.

۲-۱. عبدالله بن جعفر الحمیری در منابع رجال

غیر از ابن غضائری، سایر کتب ثمانیه رجال شیعه، نام او را ذکر و از او تجلیل کرده اند. نجاشی او را «شیخ القمیین و وجههم»^۱ می خواند، شیخ در فهرست تعبیر «ثقة» و در رجال «قمی ثقة» دارد. در رجال کشی تنها عبارت «کان استاذ ابی الحسن»^۲ آمده که تستری مراد از آن را استاد ی علی بن بابویه می داند. برقی، ابن داود، علامه، ابن شهر آشوب،^۳ بروجردی،^۴ تفرشی،^۵ اردبیلی،^۶ مامقانی، تستری،^۷ خویی و علیاری^۸ نیز عبارات نجاشی و شیخ را آورده اند. در میان منابع رجالی اهل سنت، ترجمه ای از او به میان نیامده و تنها در شرح حال اساتید او، اشاره ای به نام وی شده است.^۹

۲-۲. حضور حمیری در انتقال تراث

حضور حمیری در انتقال تراث، استثنایی و بی نظیر است. نجاشی در فهرست نام او را در طریق ۷۹ نفر از صاحبان آثار آورده و شیخ در هشتاد طریق، نام او را ذکر کرده است. ابو غالب زراری نیز شماری از کتب اصحاب را از او نقل می کند، که به طور مستقل به آن پرداخته خواهد شد.

این گستردگی به حدی است که شیخ در شرح حال «حسن بن عبدالسلام» او را حامل کتب قمی ها معرفی کرده و می نویسد:

۱. رجال (نجاشی)، ص ۲۱۹، رقم ۵۷۳.
۲. اختیار معرفة الرجال، ص ۶۰۵، رقم ۱۱۲۴.
۳. معالم العلماء، ص ۱۰۸، رقم ۴۹۳.
۴. طرائف المقال، ج ۱، ص ۲۰۷، رقم ۱۲۱۱.
۵. نقد الرجال، ج ۳، ص ۲۰۷، رقم ۳۰۲۷.
۶. جامع الرواة، ج ۱، ص ۴۷۸.
۷. قاموس الرجال، ج ۶، ص ۲۸۹، رقم ۴۲۳۹.
۸. بهجة الآمال فی شرح زیادة المقال، ج ۵، ص ۲۰۶.
۹. لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۱۵، رقم ۳۵۱، شرح حال «ابراهیم بن مهزیار»؛ ص ۴۱۱، رقم ۱۲۹۳، شرح حال «اسماعیل بن شعیب».

یروی عن سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر الحمیری و نظرائهما كتب القمیین.^۱

این بدان معنا نیست که دقت در اخذ و نقل حدیث در ایشان وجود نداشته، بلکه شرایط اخذ حدیث با دقت مراعات می‌شد. شیخ در شرح حال «طاهر بن حاتم بن ماهویه» با وسواس و تکرار تأکید می‌کند، اصحاب، روایاتی از او نقل کرده‌اند که در دوره استقامت و عدم ابتلای او به غلو قرار داشته است:

كان مستقیماً ثم تغییر و أظهر القول بالغلو (وله روایات). آخرین بروایات فی حال الاستقامة جماعة عن محمد بن علی بن الحسین (بن بابویه) عن أبیه و محمد بن الحسن عن عبدالله بن جعفر الحمیری عن محمد بن عیسی بن عبید عن طاهر بن حاتم فی حال الاستقامة.^۲

از مجموعه طریق‌هایی که در دو کتاب نجاشی و شیخ آمده، نکات ذیل قابل برداشت است:

الف) فارغ از تفاوت طرق می‌توان گفت، حمیری در طریق انتقال ۱۴۱ نفر از صاحبان آثار شیعه حضور دارد. از این میان، او به هجده مورد از آثار اصحاب هر دو فهرست، طریق است که عبارتند از: ابان بن عثمان الأحمر، اسماعیل بن شعیب العریشی، الحسین بن سعید بن حماد (الاهوازی)، الحکم بن حکیم، خالد بن ماد القلانسی، خلف بن حماد الأسدی، رزیک بن الزبیر الخلقانی، سلمة بن الخطاب البراوستانی، سهیل بن زیاد الواسطی، طاهر بن حاتم بن ماهویه، علی بن جعفر، علی بن مهزیار الأهوازی، علی بن یقظین، محمد بن سهل بن یسع، محمد بن الفضیل الأزرق، محمد بن علی بن عیسی، محمد بن میسر و النضر بن سدید. این راویان غالباً کوفی هستند.

ب) عبدالله بن جعفر حمیری چهارده اثر از آثار مؤلفان شیعی را مستقیماً از صاحب اثر گرفته است، که نام آن‌ها و آثاری که به عبدالله انتقال داده‌اند، از قرار ذیل است: احمد بن هلال العبرتائی (النوادر)، اسماعیل بن شعیب العریشی (کتاب الطب)، ایوب بن نوح بن دراج (له کتاب و روایات و مسائل)، ریان بن الصلت الاشعری القمی (کتاباً جمع فیہ کلام الرضا علیه السلام فی الفرق بین الآل و الأمة)، سلمة بن الخطاب البراوستانی

۱. رجال (طوسی)، ص ۴۴۱، رقم ۶۱۰۲.

۲. فهرست (طوسی)، ص ۲۵۵، رقم ۳۷۰.

(همه نه کتابش)، محمد بن ابی الصهبان [عبد الجبار القمی] (روایاتش)، محمد بن ریان الصلت الاشعری (مسائل لابی الحسن العسکری علیه السلام)، محمد بن عبد الحمید بن سالم العطار [الکوفی] (النوادر)، محمد بن عیسی بن عبید [الیقطنی البغدادی] (کتبه و روایات)، محمد بن القاسم بن بشار [یسار] (کتابه)، موسی بن الحسن بن عامر بن عمران بن عبدالله بن سعد الاشعری القمی (کتبه الثلاثین)، موسی [بن الحسن] بن عامر [الاشعری القمی] (کتاب الحج)، یزید بن اسحاق [الغنوی] (کتابه) و یعقوب بن یزید الکاتب (النوادر).

نگاهی به جغرافیای این راویان نشان می دهد، گروه قابل توجهی از ایشان «قمی» هستند. گروه دیگری نیز مانند: احمد بن هلال، عیسی بن عبید و یعقوب بن یزید نیز بغدادی یا مهاجر به بغداد هستند. ایوب بن نوح و محمد بن عبد الحمید نیز کوفی معرفی شده اند. احتمال مهاجرت اسماعیل بن شعیب نیز با این که منسوب به ناحیه ای در مصر است،^۱ وجود دارد. با این وصف، سفر علمی حمیری به بغداد و کوفه و حجم انتقال میراث به دست او به قم، مشخص می شود.

ج) در دریافت میراث راویان علاوه بر گستردگی مشایخ که قابل توجه است ترتیب مشایخ به حسب حجم کتب و روایاتی که از ایشان نقل شده به قرار زیر است:

احمد بن محمد بن عیسی (۳۷ مورد)، محمد بن الحسین ابی الخطاب (۲۹ مورد)، احمد بن ابی عبدالله البرقی (۲۲ مورد)، هارون بن مسلم (۹ مورد)، یعقوب بن یزید الانباری (۹ مورد)، ایوب بن نوح (۵ مورد)، محمد بن عبد الجبار (۵ مورد)، محمد بن عیسی بن عبید (۵ مورد)، ابراهیم بن هاشم (۴ مورد)، الحسن بن ظریف (۳ مورد)، محمد بن ولید الخزاز (۳ مورد)، ابراهیم بن مهزیار (۲ مورد)، الحسن بن علی الکوفی (۲ مورد)، سلمة بن الخطاب (۲ مورد)، السنندی بن محمد (۲ مورد)، محمد بن خالد الطیالسی (۲ مورد)، محمد بن عبد الحمید (۲ مورد)، و از احمد بن اسحاق، احمد بن ابی الصهبان، احمد بن الحسن بن علی بن الفضال، الحسن بن موسی الخشاب، عبدالله بن محمد بن عیسی، عبدالله بن الحسن بن علی بن جعفر، علی بن اسماعیل، علی بن عبدالله بن الصلت، محمد بن ابی عبد الرحمن، محمد بن احمد، محمد بن

۱. معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۱۳ و ۱۱۴.

احمد بن زیاد، محمد بن حسان الرازی، محمد بن علی ابوسمینه الصیرفی، محمد بن هارون، موسی بن الحسن و ابی حاتم هر کدام یک مورد.

تلفیق مشایخ قمی، از جمله: احمد بن محمد بن عیسی، ابراهیم بن هاشم، احمد بن ابی عبدالله البرقی و محمد بن عبد الجبار با مشایخ عراقی و کوفی، از جمله: هارون بن مسلم، محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، یعقوب بن یزید الانباری و ایوب بن نوح، از اختصاصات برجسته ایشان است.

د) درباره بزرگانی که ایشان، تراث را به آن‌ها انتقال داده است، گزینش و حساسیت خاصی مشاهده می‌شود. نام ایشان به ترتیب کثرت دریافت از این قرار است: محمد بن الحسن بن الولید (۵۸ مورد)، احمد بن محمد بن یحیی (۴۳ مورد)، علی بن الحسین بن بابویه (۳۲ مورد)، محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری (۹ مورد)، ابوعلی همام (۷ مورد)، ابوغالب الزراری (۶ مورد)، (محمد بن) موسی بن المتوکل (۳ مورد)، الحسین بن الحسن (یک مورد).

می‌توان چنین ادعا کرد که عبدالله بن جعفر حمیری، یکی از واسطه‌های سریع انتقال تراث شیعی به قم و سپس به کوفه است، چه آن‌که تراث را از مشایخ کوفی دریافت و مجدداً به کوفیان منتقل کرده است.

شایان ذکر است، انتقال تراث به محمد بن موسی بن المتوکل در سه مورد، در کتاب فهرست شیخ طوسی واقع شده است. عبارت ایشان در شرح حال ثابت بن دینار (ابوحمزه الثمالی) و علی بن مهزیار، با عبارت وی در شرح حال حسین بن سعید بن حماد (الاهوازی) متفاوت است:

ثابت بن دینار: له کتاب اخبرنا به عدة من اصحابنا عن محمد بن علی بن الحسین عن ابيه و محمد بن الحسن و موسی بن المتوکل عن سعد بن عبدالله و الحمیری عن احمد بن محمد عن الحسن بن محبوب.^۱

الحسین بن سعید: و اخبرنا بها (کتابه و روایاته) عدة من اصحابنا عن محمد بن علی بن الحسین عن ابيه و محمد بن الحسن و محمد بن موسی بن المتوکل عن سعد بن عبدالله و الحمیری عن احمد بن محمد بن محمد عن الحسین بن سعید.^۲

۱. فهرست (طوسی)، ص ۱۰۵، رقم ۱۳۸.

۲. همان، ص ۱۵۰، رقم ۲۳۰.

علی بن مهزیار: و رواها (کتابه الثلاثین) محمد بن علی بن الحسین عن ابيه و محمد بن الحسن و موسی بن المتوکل عن سعد بن عبدالله و الحمیری عن ابراهیم بن مهزیار عن اخیه عن رجاله.^۱

توجه به سایر طرق شیخ و نقل بسیار گسترده روایت شیخ صدوق در کتاب‌های متعددش از طریق محمد بن موسی المتوکل از جناب حمیری، و هم خوانی نام او به لحاظ طبقه، این نکته را قطعی می‌نمایاند که سقطی در طریق شیخ به ثابت بن دینار و علی بن مهزیار رخ داده است.

ه) دقت در عناوین کتبی که او منتقل کرده است، نکات قابل توجهی به دست می‌دهد. این مجموعه، کتاب‌های فقهی، عقیدتی و حتی طبیی را در برمی‌گیرد.

و) از مطالعه طرق می‌توان چنین نتیجه گرفت:

۱. احمد بن محمد بن عیسی، استاد مشترک محمد بن یحیی، سعد بن عبدالله اشعری، عبدالله بن جعفر حمیری، احمد بن ادریس و صفار بوده است.
۲. محمد بن الحسین بن ابی الخطاب نیز استاد مشترک محمد بن یحیی، سعد بن عبدالله اشعری، عبدالله بن جعفر حمیری و احمد بن ادریس بوده است.
۳. سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر در ۷۵ مورد در نقل تراث مشارکت داشته‌اند که دوازده مورد در رجال نجاشی و بقیه در فهرست طوسی است.
۴. سعد بن عبدالله و محمد بن یحیی العطار در ۲۲ مورد در نقل تراث مشارکت داشته‌اند که پنج مورد در رجال نجاشی و بقیه در فهرست طوسی بوده است. از این میان، ابن ولید ۸ مورد، صدوق ۵ مورد، ابن ولید و صدوق مشترکاً ۵ مورد و احمد بن محمد بن یحیی العطار ۴ مورد را از این دو شیخ دریافت کرده‌اند.
۵. اشتراک ابن ولید و صدوق پدر از سوی و احمد بن محمد و احمد بن ابی عبدالله از سوی دیگر، در نقل تراث از عبدالله بن جعفر، قابل توجه است.
۶. عبدالله بن جعفر تنها در یک مورد مشترکاً از ابن ابی الخطاب، محمد بن عبدالجبار و احمد بن محمد بن عیسی نقل کرده است.^۲
۷. تنها در یک مورد، استادی که او تراث را از او دریافت کرده، مجهول است. شیخ

۱. همان، ص ۲۶۶، رقم ۳۷۹.

۲. رجال (نجاشی)، ص ۲۳۴، رقم ۶۱۸؛ شرح حال «عبید بن زرارة بن اعین».

طوسی در شرح حال سلمان فارسی می نویسد:

روی خبر المجاثلیق الرومی... اخیرنا ابن ابی الجید عن ابن ولید عن الحمیری عن حدثه عن ابراهیم بن الحکم الاسدی...^۱

۸. واسطه اول پس از حمیری در رجال نجاشی، غالباً با احمد بن محمد بن یحیی و در فهرست شیخ، ابن ولید و پدر صدوق هستند.

۹. از اشتراک در نقل تراث می توان نتیجه گرفت، محمد بن یحیی العطار، احمد بن ادیس، سعد بن عبدالله اشعری، محمد بن ابی القاسم، الحسن بن متیل و محمد بن الحسن الصفار با او هم طبقه بوده اند.

۱۰. دقت او در نقل، از وسایط کوتاه و معتبر فهمیده می شود؛ برای مثال، مسائل علی بن جعفر را از نوه او عبدالله بن الحسن بن علی بن جعفر، و کتب علی بن مهزیار را از برادرش ابراهیم نقل می کند.

گفتنی است، گستردگی نقل تراث به مشایخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه بروز و ظهور آشکاری دارد، چه آن که حمیری در طریق صدوق به ۵۸ نفر از رویان در مشیخه حضور دارد.^۲

نکته حایز اهمیت دیگر، داد و ستد علمی حمیری با مشایخ بغداد و کوفه در سفر به این دو شهر است که نشان دهنده وقوع این سفر در مرحله بلوغ علمی اوست. ابو غالب در آن وقت گرچه دوازده سال و چند ماه بیشتر نداشته و در برخی موارد بر نسخه ای که به خط جدش بوده اکتفا کرده، اما در مواردی به خط خودش نیز نوشته و به گزارش این نقل پرداخته است.

۱. فهرست (طوسی)، ص ۲۲۷، رقم ۳۳۸.

۲. ایشان عبارتند از: اسحاق بن عمار، هشام بن سالم، عمر بن یزید، زراره بن اعین، اسماعیل بن جابر، عبدالله بن بکیر، محمد بن علی الحللی، حکم بن حکیم بن اخی خلاد، حنان بن سدیر، عبیدالله بن علی حللی، معاویه بن میسر، عبدالله بن سنان، احمد بن محمد بن ابی نصر، هشام بن حکم، حفص بن البختری، معمر بن یحیی، عائد الاحمسی، مسعدة بن صدقة، حسین بن مختار، حریر بن عبدالله السجستانی، خالد بن ماد القلانسی، سلیمان بن جعفر الجعفری، علی بن مهزیار، ابی جمیله، ابراهیم بن مهزیار، حماد بن عثمان، الحسن بن محبوب، معاویه بن عمار، خالد بن نجیح، محمد بن ابی عمیر، حسین بن حماد، العلاء بن رزین، ایوب بن نوح، ربیع بن عبدالله، ابراهیم بن ابی بلاد، ابی ایوب الخزاز، مصادف، ابوالورد، منصور بن یونس، القاسم بن عروه، محمد بن حکیم، علی بن سوید، عمار بن مروان، احمد بن محمد بن مطهر، محمد بن عثمان العمری، یاسین الضریحی، محمد بن عذافر، ابراهیم بن هاشم، عبدالله بن جبلة، ثعلبة بن میمون، احمد بن محمد بن عیسی الاشعری، یعقوب بن یزید، محمد بن حسین بن ابی الخطاب.

بررسی طرق انتقال تراث به جناب ابوغالب زراری، از چند جهت حایز اهمیت است:

۱. به تصریح خود ابوغالب، این انتقال در عراق واقع شده است، که به روشنی گواه انتقال تراث از قم به آن جاست.
۲. ابوغالب شاهد انتقال تراث به جماعتی دیگر نیز بوده است.
۳. می توان دریافت که چه بخشی از تراث قم با چه محتوایی به عراق منتقل شده است.

حضور حمیری در نقل کتب حسین بن سعید

ابوغالب زراری در بیان طریقتش به تعدادی از کتب حسین بن سعید، نام عبدالله بن جعفر حمیری را آورده است. کتاب الصوم حسین بن سعید به همراه زیادات علی بن مهزیار را حمیری به ابوغالب منتقل کرده است. ابوغالب می گوید:

حدثنی به ابوالعباس عبدالله بن جعفر الحمیری عن احمد بن محمد بن عیسی عن ابن سعید و هی ثلثة اجزاء.^۱

هم چنین کتاب الأشربة، کتاب ما یتلی به المؤمن لابن سعید، کتاب الایمان والنذور و کتاب التقیة با همین طریق به ابوغالب منتقل شده است. کتاب الزکاة و کتاب الجامع یونس بن عبدالرحمن نیز به واسطه محمد بن عیسی بن عبید به حمیری و سپس به ابوغالب رسیده است.^۲

کتاب محمد الحلبی (محمد بن علی بن ابی شیبة الحلبی) نیز به واسطه جناب حمیری به او منتقل شده است:

حدثنی عبدالله بن جعفر الحمیری عن آیوب بن نوح عن صفوان بن یحیی عن ابن مسکان عن محمد الحلبی.

هم چنین او به کتاب الادیات حسن بن ظریف طریق دارد: «حدثنی به عبدالله بن جعفر عن الحسن بن ظریف». ^۳ کتاب الحج موسی بن الحسن بن عامر نیز از جمله تراثی است

۱. رساله فی آل أعین، ص ۴۶.

۲. همان، ص ۴۷.

۳. همان، ص ۴۸-۴۹.

که از طریق حمیری به ابوغالب رسیده است.^۱ کتاب حنان بن سدید را او به خط خودش نسخه برداری کرده و می نویسد:

کتاب حنان بن سدید نسخه آخری حدثنی به ابوالعباس الحمیری عن محمد بن عبد الحمید و عبد الصمد بن محمد القمیین، عن حنان، هو بخطی.^۲

جزء دوم کتاب جعفر بن بشیر، کتاب النوادر ابن ابی عمیر، کتاب عبدالله بن محمد الاسدی الحجال، کتاب الدلائل و کتاب الغیبة و مجموعه روایاتی از خود حمیری، از جمله تراث دیگری است که حمیری به ابوغالب منتقل کرده است.

کتاب عیص بن القاسم بن ثابت بن عبیدالله بن مهران البجلی و کتاب مسعدة بن زیاد (فی الحلال و الحرام) نیز از جمله منابعی است که طبق نقل نجاشی، از طریق حمیری به ابوغالب منتقل شده است.^۳

اگرچه غلبه در این مجموعه با کتاب های فقهی است، اما مجموعه های عقایدی همچون کتاب الغیبة، کتاب التقیة و کتاب الدلائل نیز دیده می شود. شایسته گفتن است حمیری دو کتاب مهم عقیدتی خود، یعنی کتاب الدلائل و کتاب الغیبة را منتقل کرده است، نه کتب فقهی اش را، که نشان از انتقال این بخش با نگاه و چینش و پالایش قمی دارد.

تنها سفر علمی گزارش شده حمیری، به عراق است. محمد بن معقل از پدرش نقل می کند:

که عبدالله بن جعفر حمیری در سال ۲۹۸ هجری قمری نزد قبر مطهر سیدالشهدا علیه السلام، حدیث لوح فاطمه علیها السلام را برای من نقل کرده است.^۴

ابوغالب زراری نیز - همان گونه که گذشت - دریافت حدیث از او را به سال ۲۹۷ هجری قمری می نویسد.

دو احتمال در این جا وجود دارد: ۱. او دو سفر به عراق داشته است؛ ۲. در تنها سفر او که مدتی نیز به طول انجامیده، هر دو واقعه گزارش شده است. به جهت این که

۱. همان، ص ۵۱. طریق نجاشی با آنچه ابوغالب در متن آورده، متفاوت است.

۲. همان، ۶۰.

۳. رجال (نجاشی)، ص ۳۰۲، رقم ۸۲۴؛ ص ۴۱۵، رقم ۱۱۰۹.

۴. الاختصاص، ص ۲۱۰.

ابو غالب، تاریخ شعبان المعظم سال ۲۹۷ هجری قمری را ثبت کرده، و هم چنین تراش متعددی به ابو غالب، منتقل شده است احتمال دوم قوی تر است.

۳. آثار علمی حمیری

نجاشی فهرست تألیفات او را این چنین می نویسد:

و صنف کتباً کثیره يعرف منها: کتاب الإمامة، کتاب الدلائل، کتاب العظمة و التوحید، کتاب الغیبة و الحیره، کتاب فضل العرب، کتاب التوحید و البداء و الإرادة و الاستطاعة و المعرفة، کتاب قرب الإسناد إلى الرضا علیه السلام، کتاب قرب الإسناد إلى أبی جعفر بن الرضا علیه السلام، کتاب ما بین هشام بن الحکم و هشام بن سالم و القیاس و الأرواح و الجنة و النار و الحدیثین المختلفین، مسائل الرجال و مکاتباتهم أبی الحسن الثالث علیه السلام، مسائل لأبی محمد الحسن علیه السلام علی ید محمد بن عثمان العمری، کتاب قرب الإسناد إلى صاحب الأمر، مسائل أبی محمد علیه السلام و توقیعات، کتاب الطب.^۱

غیر از کتاب معروف قرب الاسناد که در دست رس است، کتاب الدلائل او نیز در دست رس اربلی بوده است و گزارشاتی از این دست رسی در وسائل الشیعه به چشم می خورد.^۲ شیخ آغابزرگ طهرانی برخی از این آثار را در کتاب ارزشمند الذریعه گزارش کرده است.^۳

درباره اثر مابین هشامین

اختلاف بین اصحاب ائمه علیهم السلام، به ویژه درباره مسائل عقیدتی امری شایع بوده است. تسریع در تضعیف صاحبان عقاید غیر مشهور نیز به وضوح قابل مشاهده است. در موضوع اختلاف بین هشام بن حکم و هشام بن سالم و رد عقاید هشام بن حکم کتاب هایی نگاشته شده که به لحاظ تألیف عده ای از آن ها در قم و هم زمان با عصر جناب حمیری، قابل دقت است:

۱. رجال، ص ۲۱۹، رقم ۵۷۳.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۵۶، ۲۹۱، ج ۲، ص ۲۱۱؛ ج ۳، ص ۲۷۴؛ «علی بن عیسی الاربلی فی کتاب کشف الغمة نقلاً من کتاب الدلائل لعبدالله بن جعفر الحمیری».

۳. نک: الذریعه إلى تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۳۲۸ (کتاب الإمامة)؛ ج ۴، ص ۴۸۵ (کتاب التوحید والاستطاعة)؛ و ج ۱، ص ۱۲۷ (کتاب مسائل الرجال)؛ ج ۱۶، ص ۲۷۰ (کتاب فضل العرب)؛ ج ۱۷، ص ۶۹ (کتاب قرب الاسناد)؛ ج ۲۰، ص ۳۳۴ (مسائل ابی محمد الحسن العسکری علیه السلام) و ص ۳۴۷ (مسائل الرجال و مکاتباتهم الی ابی الحسن الثالث علیه السلام) و ص ۳۵۶ (مسائل عبدالله بن جعفر).

۱. رساله فی معنی هشام و یونس، نوشته علی بن ابراهیم قمی.^۱
۲. کتاب متالب هشام و یونس، نوشته سعد بن عبدالله اشعری.
۳. کتاب الرد علی ابراهیم بن هاشم فی معنی هشام و یونس، نوشته سعد بن عبدالله اشعری.^۲

۴. کتاب ما بین هشام بن الحکم و هشام بن سالم و القیاس و الأرواح و الجنة و النار و الحدیثین المختلفین، نوشته حمیری.

از محتوای این کتاب‌ها اطلاعی در دست نیست، اما عنوان کتاب‌های جناب سعد بن عبدالله و علی بن ابراهیم، قالبی انتقادی و تهاجمی را تداعی می‌کند، در حالی که عنوان کتاب حمیری به گونه‌ای شبهه‌زدایی و توضیحی به نظر می‌آید. قرائنی همچون حضور او در طریق به هشامین و یونس در مشیخة فقیه و تهذیب و هم طبقه بودن او با سعد و علی بن ابراهیم نشان می‌دهد، حمیری - و البته بعداً صدوق - فارغ از حساسیت‌های بی‌ثمر رویه میانه را دنبال کرده‌اند. این همان شیوه پسندیده و تأیید شده امامان شیعه علیهم‌السلام است.

درباره قرب الاسناد

بحث از کتاب قرب الاسناد در چند محور سامان می‌گیرد:

محور اول: تعریف قرب الاسناد

میرزای نوری در خاتمه مستدرک می‌نویسد:

قرب الاسناد، ... هر محدث اخباری که سند عالی و کم واسطه تا معصوم در اختیار داشت، در کتاب مخصوصی جمع می‌کرد. نویسندگان به این کتاب افتخار می‌کردند و به جهت تألیف آن شاد می‌شدند.^۳

علو در اسناد به دو قسم «مطلق» و «نسبی» تقسیم می‌شود، که نسبی به چهار دسته تقسیم می‌گردد، اما قلت واسطه به معصوم، افضل انواع علو اسناد نزد بیشتر اهالی درایة الحدیث است؛ به ویژه آن‌که سند آن صحیح و خالی از شائبه

۱. رجال (نجاشی)، ص ۲۶۰، رقم ۶۸۰.

۲. همان، ص ۱۷۸، رقم ۴۶۷.

۳. خاتمة المستدرک، ج ۳، ص ۲۸۴.

باشد.^۱ در اهمیت «قرب الاسناد» همین بس که سفرهای طولانی به جان خریده می‌شده و باعث روشنی چشم حدیث شناسان بوده است.^۲

جماعتی از متقدمان شیعه به این امر مبادرت کرده‌اند که عبارتند از: ۱. علی بن ابراهیم بن هاشم القمی، ۲. محمد بن عیسی بن عبید، ۳. ابوجعفر محمد بن جعفر بن احمد بن بطة المؤدب القمی، ۴. محمد بن علی بن عیسی، ۵. ابوالفرج محمد بن ابی عمان موسی بن علی بن عبدویه الکاتب القزوینی، ۶. علی بن بابویه قمی، ۷. ابوالحسین بن معمر الکرخی و ۸. عبدالله بن جعفر الحمیری.

همان‌گونه که در نگاه نخست به این لیست می‌توان دریافت، رواج قرب الاسنادنگاری در میان قمی‌ها به وضوح آشکار است.

محور دوم: انتساب کتاب به او

درباره مؤلف کتاب *قرب الاسناد*، سه قول معروف وجود دارد:

۱. کتاب تألیف ابوالعباس عبدالله بن جعفر الحمیری است. این قول را نجاشی، علامه در خلاصه، شیخ در فهرست و ابن شهر آشوب، اختیار کرده‌اند.
۲. *قرب الاسناد* تألیف فرزند او محمد بن عبدالله بن جعفر است. علامه حلی در *مستطرفات سرائر*،^۳ صاحب *معالم و اعیان الشیعه*،^۴ این گونه نظر داده‌اند.
۳. کتاب، تصنیف پدر است و راوی آن، فرزند او محمد. علامه مجلسی در مقدمه کتاب *بحار الانوار* (توثیق المصادر) چنین نظری دارد.^۵

کتاب *قرب الاسناد* سه بخش اصلی دارد: *قرب الاسناد الی جعفر الصادق* علیه السلام، *قرب الاسناد موسی بن جعفر* علیه السلام، *قرب الاسناد الی ابی الحسن الرضا* علیه السلام. برخی بر این اعتقادند که جزء اول کتاب از فرزند حمیری، یعنی محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری است، چه آن‌که در غیر این صورت، نسبت خلط به شیخ و نجاشی لازم می‌آید که بعید است؛ از همین رو، علامه و شیخ حر نیز بین انتساب اجزای کتاب،

۱. *الرواشح السماویة*، ص ۱۹۷.

۲. *الفصول المهمة فی اصول الائمة*، ج ۱، ص ۳۸.

۳. *مستطرفات السرائر*، ص ۶۲۴.

۴. *اعیان الشیعة*، ج ۷، ص ۲۴۲.

۵. *بحار الانوار*، ج ۱، ص ۷.

تفصیل قائل شده‌اند.^۱

نظایر این گونه نقل در بخش اول کتاب، سابقه دارد؛ در منابع شیعی ذکر نام جناب کلینی در ابتدای کتاب، و در میان منابع سنی ذکر راویان کتاب *المسند* احمد بن حنبل، از این جمله است. بنابراین، شکی در انتساب همه کتاب به جناب حمیری نیست و محمد بن عبدالله، تنها راوی کتاب است؛ به ویژه آن که بخش اول *قرب الاسناد* به امام صادق علیه السلام و دخیل دانستن فرزند در سند، به تطویل آن می‌انجامد. نکته قابل ذکر دیگر آن که احتمال تعدد کتب سه‌گانه و الحاق متأخر آن‌ها به قرینه اجازة ابو غالب به پسرش وجود دارد، که می‌تواند منشأ احتمالات باشد.

محور سوم: اهمیت قرب الاسناد

علامه مجلسی آن را از اصول معتبره و مشهوره می‌داند،^۲ و میرزای قمی از کتاب‌های مورد اعتماد نزد طایفه امامیه می‌شمرد.^۳ قاضی نورالله تستری این کتاب را هم طراز کتب اربعه شیعه و مایه مباهات می‌داند، و بر این اعتقاد است که کتب اربعه به همراه *محاسن برقی* و *قرب الاسناد* حمیری، کتب صحیحه شیعه هستند.^۴

محور چهارم: نسخه‌های قرب الاسناد

علامه آغابزرگ تهرانی؛ *قرب الاسناد* را این چنین معرفی می‌کند:
کتاب برای ابوالعباس عبدالله بن جعفر حمیری است... وی این کتاب را به ابو غالب اجازة داده است.^۵
آنچه امروز از این کتاب در دست رس است، دو نسخه خطی است:
۱. نسخه‌ای که تاریخ آن سنه ۹۸۰ هجری و قمری است که از محمد بن عبدالله ابن جعفر الحمیری نقل شده است، و در کتابخانه سید محمد علی روضاتی در اصفهان نگه داری می‌شود.

۲. نسخه‌ای که با اجازة محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری نگاشته شده است، و در

۱. *قرب الاسناد* (چاپ آل البيت)، مقدمة التحقيق، ص ۱۴.

۲. *بحار الانوار*، ج ۱، ص ۲۶.

۳. *غنائم الايام*، ج ۱، ص ۳۰.

۴. *المحاسن*، مقدمه، ص ۱۰، نقلاً عن *مصائب النواصب*.

۵. *الذريعة*، ج ۱۷، ص ۶۹.

کتابخانه آیه الله مرعشی رحمته الله در قم، با شماره ۳۹۱۸ نگه داری می شود.^۱ نسخه ای از این کتاب با خط جناب محمد بن ادريس نزد علامه مجلسی بوده است. ایشان می گوید: «این کتاب را از نسخه قدیم، که از خط شیخ ما محمد بن ادريس گرفته شده است، نوشتم».

این نسخه تا قرن سیزدهم هجری قمری نزد کتاب شناس بزرگ هندی، اعجاز حسین باقی بوده است. این نسخه مانند نسخه مجلسی است و تاریخ آن به صفر سال ۳۰۴ هجری برمی گردد. و به خط محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری است که محمد بن ادريس در رمضان سال ۵۷۴ هجری از استنساخ آن فارغ شده است.^۲ نتیجه روشن این عبارات، اتصال این تراث ارزشمند به صورت مکتوب به سال ۳۰۴ هجری قمری و به خط محمد فرزند جناب حمیری است. این اتصال تا قرون بعدی نیز استمرار می یابد که به اعتماد بر آن می افزاید.

محور پنجم: محتوای کتاب

از میان سه بخش اصلی کتاب، *قرب الاسناد* به امام کاظم علیه السلام بر اساس ترتیب ابواب فقه تنظیم شده است. دو بخش دیگر کتاب، چنین تنظیمی ندارد و به جز احادیث دعایی امام صادق علیه السلام، بقیه کتاب در بردارنده احادیث متفرقه است. این احادیث فقهی، اخلاقی، عقیدتی، تاریخی و تفسیری هستند و به صورت پراکنده و غیرمبّوب آمده اند، چرا که تبویب کتاب، غرض اولیه نویسنده نبوده است.

نتیجه گیری

حمیری را می توان در زمره طبقه میانی راویان قم دانست. مطالعه مشایخ و طرقی که وی در نقل تراث راویان حضور دارد نشان می دهد، او متعلق به جریان غالب و مورد اعتماد عمومی جامعه شیعه است که دریافت و انتقال بخش گسترده ای از میراث روایی شیعه را بر عهده داشته است. ارتباطات علمی گسترده حمیری با معاصران خود، از جمله: سعد بن عبدالله، صفار، محمد بن یحیی و احمد بن اسحاق، نشان از منزلت خاص او نزد همه گرایش های آن روز است. آثار ارزشمند او، به خصوص *قرب الاسناد*،

۱. «من انباء التراث»، مجله تراث، ش ۱۸ ص ۲۵۴.

۲. کشف الحجب والاسناد، ۴۱۱-۴۱۲.

حاکی از ذوق قابل تحسین او در نقل و جمع روایات دارد.

کتاب نامه

- الاختصاص، محمد بن محمد بن النعمان (شیخ المفید)، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم: کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.
- اختیار معرفة الرجال، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: میرداماد، قم: آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۴ق.
- الاستبصار، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، اول، ۱۳۹۰ق.
- اعیان الشیعه، سید محسن امین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
- اکیلی المنهج فی تحقیق المطلب، محمد جعفر بن محمد طاهر کرباسی، تحقیق: سید جعفر حسینی اشکوری، قم: دارالحدیث، اول، ۱۴۱۴ق.
- ایضاح الإشتباه فی اسماء الرواة، حسن بن یوسف بن مطهر حلی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی، اول، ۱۴۲۵ق.
- بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الاطهار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
- بهجة الأمال فی شرح زیدة المقال، علی بن عبدالله علیاری، تصحیح: هدایت الله مسترحمی و محمد هادی یوسفی غروی، تهران: بنیاد کوشانپور، ۱۳۵۹ش.
- تاریخ آل زرار، ابو غالب زراری، قم: ربانی (سید محمد علی موحد ابطحی)، ۱۳۹۹ق.
- التوحید، محمد بن علی بن بابویه (صدوق)، تحقیق: سید هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین، اول، ۱۳۹۸ق.
- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، محمد بن علی بن بابویه (صدوق)، قم: دارالشریف الرضی، دوم، ۱۴۰۶ق.
- جامع الرواة و ازاحة الشبهات عن الطرق و الاسناد، محمد بن علی اردبیلی غروی، قم: مکتبه المحمدی، بی تا.
- خاتمة المستدرک، میرزا حسین نوری طبرسی، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
- الخصال، محمد بن علی بن بابویه (صدوق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، اول، ۱۳۶۲ش.

- خلاصة الاقوال في معرفة الرجال، حسن بن يوسف بن مطهر حلي، قم: مؤسسه نشر فقاها، دوم، ۱۴۲۲ق.
- الذريعة الى تصانيف الشيعة، شيخ آغا بزرگ طهراني، بيروت: دارالاضواء، سوم، ۱۴۰۳ق.
- رجال ابن داود، حسن بن علي بن داود حلي، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
- رجال برقي، احمد بن محمد بن خالد برقي، تهران: دانشگاه تهران، اول، ۱۳۸۳ق.
- رجال طوسي، محمد بن حسن طوسي، نجف: انتشارات حيدريه، ۱۳۸۱ق.
- رجال نجاشي، احمد بن علي نجاشي، قم: جامعه مدرسين، ۱۴۰۷ق.
- الرعاية في علم الدراية، زين الدين بن علي (شهيد ثاني)، تحقيق: عبدالحسين محمد علي بقال، قم: آيت الله مرعشي، دوم، ۱۴۰۸ق.
- الرواشح السماوية، ميرداماد استرآبادي، تحقيق: نعمت الله جليلي و غلامحسين قيصريه ها، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
- سفرنامه ناصر خسرو، ناصر خسرو قبادياني، تهران: زوار، هشتم، ۱۳۸۱ش.
- طبقات برقي، احمد بن محمد بن خالد برقي، تهران: دانشگاه تهران، اول، ۱۳۸۳ق.
- طرائف المقال في معرفة طبقات الرجال، سيد علي اصغر بروجردي، تحقيق: سيد مهدي رجالي، قم: كتابخانه آية الله مرعشي، اول، ۱۴۱۰ق.
- علل الشرايع، محمد بن علي بن بابويه (صدوق)، قم: داوري، اول، ۱۳۸۵ش.
- عيون اخبار الرضا عليه السلام، محمد بن علي بن بابويه (صدوق)، تحقيق: مهدي لاجوردي، تهران: جهان، اول، ۱۳۷۸ق.
- غنائم الايام في مسائل الحلال والحرام، ميرزا ابوالقاسم قمی، تحقيق: عباس تبريزيان، مشهد: دفتر تبليغات اسلامي، اول، ۱۴۱۷ق.
- الفصول المهمة في معرفة الائمة، ابن صباغ مالكي، تعليق: سامي الغريزي، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۹ش.
- فهرست طوسي، محمد بن حسن طوسي، بی جا: مؤسسه نشر الفقاها، ۱۴۱۷ق.
- كمال الدين و تمام النعمة، محمد بن علي بن بابويه (صدوق)، تحقيق: علي اكبر غفاري، قم: مؤسسه نشر اسلامي، ۱۴۰۵ق.
- قاموس الرجال، محمد تستري، قم: مؤسسه نشر اسلامي، سوم، ۱۴۲۴ق.
- قرب الاسناد، عبد الله بن جعفر حميري، قم: آل البيت عليهم السلام، اول، ۱۴۰۷ق.

- الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تحقيق: محمد آخوندي و علي اكبر غفاري، تهران: دارالكتب الاسلاميه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- كشف الحجب والأستار عن أسماء الكتب والأسفار، اعجاز حسين كنتوري، قم: كتابخانه آية الله مرعشي، دوم، ۱۴۰۹ق.
- لسان الميزان، ابن حجر عسقلاني، بيروت: دارالفكر، ۱۴۱۴ق.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقي، تصحيح وتعليق: سيد جلال الدين حسيني، تهران: دارالكتب الإسلاميه، ۱۳۷۰ق.
- مستطرفات السرائر، ابن ادريس حلي، قم: مؤسسه نشر اسلامي، دوم، ۱۴۱۱ق.
- معالم العلماء، ابن شهر آشوب، معالم العلماء، نجف: كتابخانه حيدريه، ۱۳۸۰ق.
- معجم رجال الحديث، ابوالقاسم خويي، قم: مركز نشر آثار شيعه، ۱۴۱۰ق.
- معجم قبائل العرب القديمة والحديثة، عمر رضا كحاله، بيروت: دارالعلم والملايين، دوم، ۱۳۸۸ق.
- معاني الاخبار، محمد بن علي بن بابويه (صدوق)، تحقيق: علي اكبر غفاري، قم: جامعه مدرسين، اول، ۱۴۰۳ق.
- «من انباء التراث»، مجلة تراثنا، سال پنجم، ش ۱۸، ۱۴۱۰ق.
- من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي بن بابويه (صدوق)، تحقيق: علي اكبر غفاري، قم: جامعه مدرسين، دوم، ۱۴۱۳ق.
- نقد الرجال، سيد مصطفی بن حسين الحسيني التفرشي، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، اول، ۱۴۱۸ق.
- وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن حسن حر عاملي، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.